

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال هشتم، شماره سی‌ام، تابستان ۱۳۹۷
صفحات ۱۱۳ - ۱۲۸

اسکندربیک ترکمان و آیه‌نگاری‌اش در *عالم‌آرای عباسی*

عظیمه پاینده^۱

علی‌اکبر جعفری^۲

چکیده

تأسیس دولت شیعی صفویه در گستره جغرافیای تاریخی ایران سبب شکل‌گیری نوعی تاریخ‌نگاری شیعی در آن دوره شد. یکی از مشخصه‌های تاریخ‌نگاری آن دوره استفاده از مضامین و نگاشته‌های دینی، به‌ویژه آیات قرآنی و احادیث، با رویکرد اثبات حقانیت صفویان بوده‌است. این مشخصه در منابع تاریخ‌نگاری عصر صفویه، ازجمله *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به چشم می‌آید. اسکندربیک ترکمان، نویسنده *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، در اثر خود از آیات قرآن برای اثبات حقانیت تشیع، برتری حکومت صفویه بر حکومت‌های اطراف و تبلیغ آن، و برخی مسائل اعتقادی و باورهای دینی استفاده کرده‌است. همچنین ضمن تأثیرپذیری از تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی، به‌کرات در موارد مختلف از کلمات قرآنی برای نگارش تاریخ خود سود برده‌است. این پژوهش بر آن است تا این رویکرد اسکندربیک را بررسی و تحلیل کند. در این راستا، ضمن پاسخگویی به این سؤال که چرا در *عالم‌آرای عباسی* رویکرد آیه‌نگاری در حجم قابل‌توجهی وجود دارد، این فرضیه بررسی می‌شود که استفاده از آیات قرآن در *عالم‌آرای عباسی* به‌منظور تبلیغ دولت صفویه و مشروعیت‌بخشی به آن با تأکید بر آموزه‌های شیعی بوده‌است. یافته‌های تحقیق به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی به دست آمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اسکندربیک منشی، *عالم‌آرای عباسی*، آیه، قرآن، صفویه.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه اصفهان و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول).

apayandeh31@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. a.jafari@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۵

مقدمه

تاریخ‌نگاری و بررسی مشخصه‌های آن در دوره‌های مختلف تاریخ ایران از مباحثی است که همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده‌است. بررسی احوال مورخان، معرفی و نقد منابع تاریخی، بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری و رویکردهای مورخان در این پژوهش‌ها مورد توجه محققان بوده‌است. تاریخ‌نگاری دوره صفویه نیز، با عنایت به ویژگی‌های این دولت و جایگاه آن در تاریخ ایران، از این قاعده مستثنی نیست؛ مخصوصاً اینکه رویکردهای جدیدی در این منابع می‌توان دید. یکی از مشخصه‌های تاریخ‌نگاری دوره صفویه آیه‌نگاری است. مورخان دوره صفویه از آیات قرآن در آثار خود برای اثبات حقانیت تشیع مقابل تسنن، تبلیغ دولت صفویه و اثبات حقانیت آن برابر دولت‌های مجاور، بسط تقدیرگرایی و در سطح بالاتر، اثبات مشروعیت صفویان برای حکومت استفاده کرده‌اند. از مهم‌ترین منابع تاریخی دوره صفویه *عالم‌آرای عباسی*، نوشته اسکندر بیک ترکمان، منشی مخصوص شاه‌عباس، است که آیه‌نگاری با مشخصه‌های فوق در آن به‌خوبی نمایان است. اسکندر بیک منشی برای مشروعیت‌بخشی و تبلیغ دولت صفویه از آیات قرآن به‌گسترده‌گی در *عالم‌آرای عباسی* استفاده کرده‌است. ذکر تمام یا قسمتی از آیه، استفاده مکرر از کلمات قرآنی، و استناد به قرآن در موضوعات مختلف *تاریخ عالم‌آرای عباسی* مشهود است. با عنایت به اهمیت این ویژگی در تاریخ‌نگاری دوره صفویه، به‌ویژه در *عالم‌آرای عباسی*، این پژوهش بر آن است تا به بررسی و تحلیل آیه‌نگاری در این کتاب پردازد.

پیشینه تحقیق

رویکردها و ویژگی‌های تاریخ‌نگاری عصر صفوی در پژوهش‌های متعددی مورد توجه قرار گرفته‌است. آرام در کتاب *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*، به بررسی ابعاد اندیشه‌ای مورخان عصر صفوی پرداخته‌است. ثواقب نیز در آثار مختلف، از جمله *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ*، با پژوهش در منابع تاریخی و تاریخ‌نگاشتی عصر صفویه به بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره صفوی و معرفی و نقد منابع آن پرداخته‌است. این پژوهش‌ها ارزشمند، ستودنی، و شایسته توجه هستند،

اما اساساً با هدف معرفی تاریخ‌نگاری عصر صفویه و مورخان آن صورت گرفته‌اند و کمتر وارد جزئیات شده‌اند. بررسی جزئی‌تر تاریخ‌نوشته‌های عصر صفویه، از جمله تاریخ *عالم‌آرای عباسی*، در مقالات و پژوهش‌های دیگری مورد توجه قرار گرفته که برای نمونه می‌توان به مقاله «درآمدی بر روش و بینش تاریخی اسکندریک منشی ترکمان در *عالم‌آرای عباسی*» (سرخیل ۱۳۹۰) اشاره کرد؛ نویسنده در این مقاله کوشیده‌است روش و بینش تاریخی اسکندریک منشی ترکمان را در کتاب *عالم‌آرای عباسی* بررسی کند. با وجود اینکه این پژوهش نیز به‌خوبی به جنبه‌هایی از ویژگی‌های تألیفی *عالم‌آرای عباسی* پرداخته، موضوع آیه‌نگاری را، که از شاخصه‌های سبکی آن است، بررسی نکرده‌است. در مجموع، در پژوهش‌های راجع به تاریخ‌نگاری عصر صفویه به موضوع آیه‌نگاری در *عالم‌آرای عباسی* پرداخته نشده‌است.

تاریخ‌نگاری عصر صفویه

شکل‌گیری دولت صفویه و وقایع آن عصر از حوادث مهم تاریخ ایران دوران اسلامی محسوب می‌شود و از این رو، تاریخ‌نگاری این دوره هم از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است. دولت صفویه توانست با دستیابی به گستره جغرافیایی ایران، ایجاد وحدت سیاسی، حذف حکومت‌های محدود و منطقه‌ای و پایان بخشیدن به چندپارگی سیاسی، و گسترش مذهب تشیع، به‌عنوان مذهب رسمی کشور، برای اولین بار در دوران اسلامی، هویت ارضی و سیاسی مستقل به ایران بدهد و با ایجاد تمایز آشکار بین خود و دولت‌های مجاور سنی‌مذهب، استقلال ایران را حفظ و با دولت‌های اروپایی روابط گسترده سیاسی و تجاری و فرهنگی برقرار کند (نک: تاریخ ایران کمبریج، ۸).

برخی صفویه‌پژوهان نقش این سلسله را با دیدگاه‌هایی مثبت و با تأکید بر تأثیر صفویه بر تاریخ فکری ایران، و برخی دیگر با دیدگاه‌هایی انتقادی و با تأکید بر نقش صفویه در دامن زدن به تعصب‌های مذهبی و بروز درگیری و اختلاف در جهان اسلام و تجزیه تمدنی و همچنین تنزل شعر و ادبیات و رکود علمی و سیطره فقه و فقیهان بر حوزه اندیشه و تفکر و غیره بررسی کرده‌اند. دسته اخیر، تاریخ‌نگاری عصر صفویه را

نیز با رویکردی انتقادی مطالعه کرده‌اند و این دیدگاه را ترویج داده‌اند که با انحطاط ادبیات و شعر در دوره صفویه، سایر اشکال فعالیت فکری، از جمله تاریخ‌نگاری نیز رو به ضعف نهاده‌است (نک: ثواقب، ۱۷-۲۰. براون، ۹۱؛ ریپکا و کلیما و بچکا، ۴۲۴-۴۲۷). افزون‌براین، طرح دیدگاه‌های جدید و توجه علمی به سلسله صفویه بسیاری از صفویه‌پژوهان را به بررسی دقیق‌تر و علمی‌تر تاریخ و تاریخ‌نگاری عصر صفوی کشانده‌است. حاصل این فعالیت‌ها آشکار ساخته که به‌رغم دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به تاریخ‌نگاری عصر صفویه، این عصر به‌لحاظ تعدد منابع تاریخ‌نگاری، از غنی‌ترین دوره‌ها در تاریخ ایران تا زمان خود محسوب می‌شود.

یکی از ویژگی‌های فکری و فرهنگی عصر صفویه رواج تاریخ‌نویسی در آن است؛ به‌مقتضای مدت حکومت این سلسله، که بیش از دو سده به درازا کشید، منابع تاریخی فراوانی، به‌قلم مورخان و وقایع‌نگاران غالباً رسمی، در این دوره تألیف شد. این امر موجب شد تاریخ‌نوشته‌هایی با بینش شیعی و سوگیری حمایتی از دولت صفویه و با رویکردی سیاسی-نظامی به‌قلم مورخانی که عمدتاً سِمَت مجلس‌نویسی و وقایع‌نگاری دربار داشته‌اند و به‌طور رسمی از جانب پادشاهان مأموران نگارش وقایع بوده‌اند، پدید آید. برخی از تاریخ‌نگاران عصر صفوی هم، علمایی دینی و اداری بودند که با لقب قاضی و ملا و گاهی نیز منشی به این کار می‌پرداختند. در آثار این دسته از مورخان، تعلیم دینی و موضوعات مرتبط با مسائل دینی بازتاب فراوان دارد و صبغه مذهبی و نگرش دینی پررنگ‌تر است و حکمت مذهبی مبنای تبیین تاریخ را شکل می‌دهد. دسته دیگر دیوان‌سالاران و منشیان اهل قلم بوده‌اند که به نگارش تاریخ نیز علاقه داشته‌اند. در بین این گروه، افرادی از قزلباشان و منشیان دیوانی دیده می‌شوند که به‌دلیل اشتغال و تخصص کاری، به مدارک و منابع حکومتی دسترسی داشتند و در نتیجه، به اجزای ساختاری حکومت و پدیده‌های اجتماعی اشراف بیشتری داشتند. این سه دسته تاریخ‌نگاران، با انگیزه‌های اجابت دستور و درخواست شاهان، احساس تکلیف به درج اعمال و رفتار شاهان و قدردانی از امنیتی که آنان ایجاد کرده بودند، و تقریب به مرکزیت قدرت به ثبت وقایع سیاسی و نظامی با محوریت شاه و سلطنت و تبیین آن وقایع در قالب بینشی مذهبی و صوفیانه پرداختند (نک: آرام، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۲۸-۲۲۹).



ثواب، ۱۲-۱۳). تواریخ عصر صفویه، تحت تأثیر سنت تاریخ‌نگاری اسلامی-ایرانی سده‌های پیشین، در قالب‌های تاریخ‌نگاری عمومی، سلسله‌ای یا دودمانی، (تک‌نگاری) سلطانی، محلی، تراجم‌نگاری، تذکره‌نگاری، خاطره‌نگاری و گزارش سفر، نوشته‌های اداری و منشآت‌نویسی، حماسه‌نگاری یا منظومه‌های تاریخی، تاریخ‌نگاری هنر (هنرنگاری)، جنگ‌نامه‌نویسی و رسایل‌نگاری (سیاسی، خراجیه، صلاتیه، و ردیه بر مسیحیت، تصوف، عقاید بدعت‌آمیز و سایر مذاهب) تألیف یافتند (مصدق، ۴-۷. صفت‌گل، ۱۷-۲۵).

مورخان عصر صفوی با انگیزه اصلی توجه به درخواست و دستور شاهان صفویه و احساس تکلیف به درج اعمال قدرت مرکزی و پادشاهان صفوی دست به نگارش زده‌اند. در این نوشته‌ها، به مباحث فلسفی و نظری تاریخ توجه بسیار محدود و ناقصی شده‌است. در اکثر نوشته‌های این دوره، وقایع با بینشی مذهبی و صوفیانه، توأم با حمایت جانبدارانه از شاهان صفوی، که مانع بیان حقایق می‌شد، استفاده از تعابیر و زبان پیچیده و متکلف همراه با اصطلاحات ادبی در بیان وقایع مربوط به شاهان صفوی، نثری ساده و روان در بیان وقایع معمولی، و با استفاده از زبان فارسی تبیین شده‌اند. نویسندگان عصر صفوی معمولاً نسبت به قیام‌ها و شورش‌های داخلی یک‌سویه‌نویسی و دشمنی داشته‌اند. تاویل‌گرایی و تأثیرپذیری از عرفان و تصوف و استفاده از آیات و احادیث، موعودگرایی، القای معصومیت شاهان صفوی و ضرورت اطاعت بدون چون‌وچرا از آنان، اندیشه تقدیرگرایی و مشیت الهی، اتخاذ بینش اسلامی و به‌ویژه دیدگاه شیعی و دفاع از آن و دشمنی با سایر مذاهب، توجه به تاریخ سیاسی-نظامی، و بهره‌گیری از اسناد و مکاتبات و فرمان‌های شاهی به‌دلیل حضور در دربار و دسترسی داشتن به بایگانی از دیگر ویژگی‌های نوشته‌های مورخان این دوره است (آرام، ۲۲۸-۳۵۰).

آیه‌نگاری در تاریخ‌نویسی ایران دوره اسلامی

فتح ایران توسط اعراب مسلمانان ایران را به یکی از مناطق تحت سیطره خلافت اسلامی تبدیل کرد. در این شرایط، تاریخ‌نگاری ایران نیز تغییر گسترده‌ای یافت. تا قبل



از قرن چهارم هجری و با وجود اینکه اکثر مورخان برجسته اصالتاً ایرانی بودند، تاریخ‌نگاری عمدتاً عربی-اسلامی بود؛ از خصوصیات آن تاریخ‌نگاری نگارش تواریخ به زبان عربی، حتی توسط مورخان ایرانی، استفاده از آیات، روایات، و مضامین عربی، تأویل‌گرایی، تقدیرگرایی و عبرت‌گرایی بود. شیوه نگارش تاریخ نیز حدیثی-خبری و شامل گزاره‌ها و قالب‌های سالشماری، دودمان‌نویسی، طبقات‌نویسی، فرهنگ‌نامه‌ای و تبارشناختی بود. پس از آن، اگرچه تواریخی به زبان فارسی هم رواج یافت، همچنان در تاریخ‌نویسی ایران، که جزو قلمرو اسلامی بود، استفاده از کلمات عربی، آیات، روایات، و احادیث ادامه یافت (سجادی و عالم‌زاده، ۷۱-۷۹، ۹۳-۹۶). با هجوم مغول و سقوط خلافت اسلامی در قرن هفتم هجری، ایران هویت مستقلی پیدا کرد و از قلمرو حاکمیت دولت‌های عربی خارج شد. از پیامدهای این واقعه نگارش تواریخی بود که در آنها استفاده از مفاهیم ترکی و مغولی رواج داشت. این شیوه تا ظهور دولت صفویه ادامه یافت. با تشکیل دولت صفویه و تأسیس اولین حکومت مستقل شیعی در ایران، تاریخ‌نگاری ایران نیز وارد مرحله تازه‌ای شد. مورخان عصر صفوی به دلایل مختلف، از جمله اثبات و دفاع از حکومت شیعی صفویه برابر حکومت‌های سنی مجاور، از آیات و روایات در منابع خود استفاده می‌کردند. مورخان این دوره، به‌ویژه در نیمه اول عمر دولت صفوی، در هیئت سربازان و فرماندهان فرهنگی، تلاش می‌کردند با قدرت قلم و توان نویسندگی خود و با استفاده از آیات و احادیث و مضامین شیعی، ضمن اثبات حقانیت صفویان در امر مملکت‌داری، به نوشته‌ها و باورهای علیه صفویه در سرزمین‌های سنی‌نشین عثمانی و ازبک پاسخی درخور دهند. عقاید تأویلی این مورخان، که مصادره به مطلوب آیات و احادیث است، نشان‌دهنده بینش مذهبی-سیاسی و فلسفی آنهاست (آرام، ۱۱۰-۱۱۱، ۲۴۶)؛ موضوعی که در *عالم‌آرای عباسی* نمونه جامع آن را می‌توان دید.

عالم‌آرای عباسی و نویسندگانش

مشهورترین مورخ قرن یازدهم هجری، نویسنده کتاب *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، اسکندر بیک ترکمان، ملقب به منشی، از ایل چادر نشین ترکمان آذربایجان

در سال ۹۶۸ متولد شد و در ۱۰۴۳ درگذشت. او نخست نگهبان شاهی بود و سپس در دستگاه مرکزی حکومت شاه‌عباس خدمت کرد. اسکندربیک، ضمن دسترسی به اسناد بایگانی دولتی، از نزدیک نیز شاهد یا دخیل در بسیاری از وقایع سیاسی عصر شاه‌عباس اول بوده و از این مجموعه اطلاعات در نگارش تاریخ خود استفاده کرده‌است.

تاریخ عالم‌آرای عباسی شامل سه بخش است: مقدمه، که شامل وقایع ایران در قرن دهم و تاریخ ایران در عهد سلاطین نخستین صفوی تا سال ۹۷۹ است؛ بخش دوم، که شامل تاریخ ایران از ۹۷۹ تا ۹۹۶، یعنی از تولد شاه‌عباس اول تا جلوسش بر تخت سلطنت، است؛ و بخش سوم، که مهم‌ترین بخش کتاب است و شامل دو قسمت می‌شود. قسمت اول از این بخش وقایع سی سال اول پادشاهی شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۲۵) و قسمت دوم وقایع سال‌های ۱۰۲۵ تا درگذشت شاه‌عباس اول را دربرمی‌گیرد (اسکندربیک ترکمان، ۱۴/۱-۱۷).

همان‌گونه که اشاره شد، مؤلف کتاب در دربار شاه‌عباس و شاهد عینی وقایع بوده و به اسناد و مدارک دسترسی داشته و از این نظر، *تاریخ عالم‌آرای عباسی* از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هرچند در این کتاب، شرح تاریخ نظامی اولویت داشته‌است، درباره مسائل داخلی، امور مالی، چگونگی وصول مالیات، مالکیت ارضی، قبایل چادرنشین، و قیام‌های مردمی نیز مطالب درخور توجهی وجود دارد. این نکته نیز قابل توجه است که اسکندربیک ترکمان در ذکر وقایع تاریخی جانب دولت صفویه را داشته‌است و لذا در این کتاب، شرح مبسوطی از طبقات مذهبی وجود ندارد. اما بر خلاف آن، تعادل بین طبقات نظامی، مذهبی، و دیوان‌سالاری در کتاب حفظ شده‌است.

در اواخر عمر اسکندربیک به او پیشنهاد شد که نگارش *تاریخ عالم‌آرای عباسی* را ادامه دهد و او نیز تألیف ذیلی را بر کتاب آغاز کرد و وقایع پنج سال اول سلطنت شاه‌صفی را به نگارش درآورد، اما با مرگ او، نگارش این ذیل نیز متوقف شد. بعدها بقیه حوادث دوران سلطنت شاه‌صفی از کتاب *خلد برین*، نوشته محمدیوسف واله اصفهانی، به *عالم‌آرای عباسی* ضمیمه شد (ثواب، ۵۹-۶۱).

معرفی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری عالم‌آرای عباسی

اسکندربیک ترکمان با به‌کارگیری فنون و شیوه‌ای خاص یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی عصر صفوی را پدید آورده که دربردارنده اطلاعات سودمندی از دوران حکومت صفویان است. به دلیل دسترسی وی به منابع اصلی کتبی و شفاهی و موقعیت کاری او، کتابش اثری دقیق و مشتمل بر جزئیات بسیاری از تاریخ دوران شاه‌عباس اول است. اسکندربیک برای شرح زمان وقوع رخدادها ارزش بسیاری قائل بوده و اثرش را بر اساس شیوه سال‌شماری و همراه با تطبیق تقویم‌های مختلف با یک‌دیگر تنظیم کرده است. او در اثرش کوشیده فایده روش سال‌شماری را هم بیان کند. اگرچه توجه به امور ماوراءالطبیعی و متافیزیکی و سرسپاری به قضاو قدر در *عالم‌آرای عباسی* بسیار به چشم می‌خورد، اسکندربیک کوشیده تا بسیاری از حقایق تاریخی را با زیرکی لابه‌لای این مطالب بیان کند. هرچند اسکندربیک، همچون بسیاری از مورخان، به تعریف تاریخ، پیدایی و سازوکار آن، جایگاه مورخ در این علم، و مسائلی از این قبیل نپرداخته است، با بررسی کتاب او می‌توان دریافت که نگرش حاکم بر تاریخ‌نگاری او بر پایه بینش و جهان‌نگری دینی مسلمانان و اندیشه مذهبی غالب بر جامعه ایران شکل گرفته است. مؤلفه‌هایی که او مبنای تبیین و تحلیل رخدادهای تاریخی قرار داده است، نشان می‌دهند که او قائل به نوعی فلسفه خطی بوده که بر اساس آن، همه چیز از قدرت و خواست الهی نشئت می‌گیرد و به سوی مقصدی ازپیش تعیین شده حرکت می‌کند (سرخیل، ۱۱۰-۱۱۱؛ آرام، ۲۳۱).

یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص تاریخ‌نگاری در *عالم‌آرای عباسی* اختصاص مباحثی به اثبات تشیع، به عنوان مذهب رسمی دولت صفویه، از طریق به کار بردن آیات و احادیث است. ابراز ارادت به ائمه اطهار علیهم‌السلام و آیه‌نگاری و حدیث‌نگاری در اثبات تشیع و حقانیت دولت شیعی صفوی از خصوصیات تاریخ‌نگاری تواریخ دوره صفویه و به ویژه *عالم‌آرای عباسی* است (مشکوریان و جعفری، ۷۰). حدود کاربرد آیات در *عالم‌آرای عباسی* در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آیه‌نگاری در عالم‌آرای عباسی

اسکندربیک منشی در تاریخ خود، به فراخور موضوع، از آیات متعددی استفاده کرده‌است. در این شیوه عملکرد، فراتر از جنبه‌های ادبی و زیبایی نگارش، اهداف مهم‌تری به شرح زیر منظور بوده‌است:

۱. دشمن‌ستیزی و دشمن‌شناسی. مسائل نظامی، لشکرکشی‌ها، و فتوحات پادشاهان صفوی، به‌خصوص جنگ‌های آنها با پادشاهان عثمانی، از مباحثی اصلی است که اسکندربیک منشی در تاریخ خود به تشریح آنها پرداخته‌است. در این راستا، اسکندربیک از طرفی، برای توجیه لشکرکشی‌ها، و از طرف دیگر، برای بزرگ و ارزشی جلوه دادن فتوحات، به‌کرات از آیات قرآن در تاریخ خود استفاده کرده‌است. آن‌چنان که اشاره شد، یک‌سونگری شیعی و همچنین پرداختن به جنبه‌های نظامی از خصوصیات تاریخ‌نگاری دوره صفوی است که این موضوع به‌وضوح در تاریخ عالم‌آرای عباسی نیز مشاهده می‌شود. آیات به‌کاررفته در این موضوعات به هدف نشان دادن حقانیت سپاه و عملکرد دولت صفویه و نفی حقانیت سپاه عثمانی و نقض عهد و شرک و مکر و حيله‌گری عثمانیان ذکر شده‌اند. بخشی از این آیات نیز راجع به موضوع گرجستان و لشکرکشی‌های طهماسب به این منطقه است. در این آیات نیز، از به یأجوج و مأجوج و سپاه جالوت ارجاع داده شده‌است. موضوعاتی همچون صلح آماسیه، ماجرای خان‌احمد گیلانی، و تصرف بحرین، که از دیگر مسائل نظامی مورد توجه اسکندربیک بوده، نیز با آیاتی که در اثبات حقانیت صفویه شیعه‌مذهب ذکر شده‌اند، در گزارش‌های اسکندربیک آمده‌اند. اطلاعات تکمیلی مربوط به کاربرد آیاتی با مضمون و محوریت شناخت و مقابله با «دشمن» در عالم‌آرای عباسی در جدول شماره یک آمده‌است.

جدول شماره ۱: اطلاعات تکمیلی درباره کاربرد آیاتی

با موضوع شناخت و مقابله با دشمن در عالم‌آرای عباسی

عنوان	توضیحات
تعداد کل آیات	۲۸
تعداد آیات به‌کاررفته برای دوره پادشاهی طهماسب اول	۹

عنوان		توضیحات
تعداد آیات به کاررفته برای دوره پادشاهی شاه عباس اول		۱۹
تعداد آیات استفاده شده بر اساس سوره های قرآن	بقره	۷
	نحل	۳
	فتح	۳
	توبه	۳
	نساء	۲
	عبس	۲
پرکاربردترین آیات	انفال، کهف، حجرات، رعد، الرحمن، فاطر، یوسف، احقاف	هر کدام ۱ آیه
	کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله	۲ بار
	ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة	۳ بار

۲. اثبات حقانیت دعاوی شیعه. تأسیس حکومت شیعی صفوی، به عنوان اولین حکومت مستقل شیعی در تاریخ ایران، سبب شد که دولت مردان صفوی برای اثبات حقانیت تشیع برابر تسنن، نهادینه کردن تشیع در ایران، و اتصال نسب خود به اهل بیت و ائمه علیهم السلام اقدامات متعددی انجام دهند. تاریخ نگاشته های عصر صفوی و از جمله عالم آرای عباسی نیز از این تغییرات بی تأثیر نبودند. بررسی آیات مربوط به امامت در تاریخ عالم آرای عباسی نشان دهنده آن است که اسکندریک منشی از طرفی، برای اثبات امامت امامان معصوم علیهم السلام و از طرف دیگر، اثبات حقانیت تشیع مقابل تسنن، از آیات قرآن بهره فراوان برده است.

ذکر نامه علمای ماوراءالنهر و پاسخ علمای مشهد در کتاب اسکندریک نشان می دهد چالشی جدی درباره اثبات حقانیت تشیع و آرای متفاوت راجع به آن در سطحی گسترده بین علمای این دوره وجود داشته است. در دو نامه ای که اسکندریک آورده است، استفاده از آیاتی با لحن توییحی تند از سوی علمای ماوراءالنهر (آیه ۲۶

سوره نور و استفاده از واژه خبیثات) و در مقابل، استفاده از آیاتی با لحن تندتر (آیه ۴۴ سوره مائده و اطلاق واژه کافرون؛ آیه سوم سوره نور و اطلاق واژه زانی) از طرف علمای مشهد در پاسخ به آنها گویای این چالش جدی است. تکرار بخشی از آیه ۵۵ سوره مائده (انما ولیکم الله...) در این قسمت، نشانه تلاش جدی و مستمر اسکندریک در اثبات حقانیت ولایت حضرت علی علیه السلام در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است. همچنین تکرار استفاده از آیه ۱۸ سوره فتح، با موضوع بیعت شجره، عنایت به آرای علما و محدثان شیعه را در تفسیر و تحلیل این واقعه تاریخی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: اطلاعات تکمیلی راجع به کاربرد آیاتی با موضوع اثبات حقانیت دعاوی شیعه

عنوان		توضیحات
تعداد کل آیات		۲۵
تعداد آیات بر اساس دوره زمانی	تعداد آیات که هر یک از طرف‌ها به کار برده‌اند	شاه اسماعیل اول شاه عباس اول علمای ماوراءالنهر علمای مشهد
	پراکندگی تعداد آیات استفاده‌شده بر اساس سوره‌های قرآن	مائده فتح نور آل عمران نجم احزاب
	پرکاربردترین آیات	بقره، اعراف، انعام، توبه، نساء، ذاریات، مجادله، کهف، یوسف، تغابن انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا... لقد رضی الله عن المؤمنین اذ بیایعونک تحت الشجرة و ما ینطق عن الهوی، ان هو الا وحی یوحی الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات
		هر کدام ۱ آیه ۲ بار ۲ بار ۲ بار ۲ بار

۳. تبلیغ. مؤلف عالم‌آرای عباسی در موارد متعددی از کتاب خود، برای تبلیغ حکومت صفوی و حمایت از آن و مشروعیت بخشی به صفویه از آیات قرآن استفاده کرده‌است. او تلاش کرده با استفاده از آیات قرآن ثابت کند که این خواست خدا بوده

که قدرت در دست صفویان قرار گیرد. اسکندربیک برای این منظور، شش بار از آیه «توتی الملك من تشاء»... استفاده کرده‌است. وی هنگام ذکر اسامی فرزندان شاه‌طهماسب، از آیات «و لقد کرّمنا بنی آدم»... (اسراء: ۷۰) و «أنا جعلناک خلیفة فی الارض»... (ص: ۲۶) و در توصیف به تخت‌نشینی شاه‌عباس، از آیات «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان»... (نحل: ۹۰) و «و رفعناه مکاناً علیّا»... (مریم: ۵۷) و در گزارش وقف بزرگ شاه‌عباس، از آیه «کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء»... (ابراهیم: ۲۴) استفاده کرده‌است. اوج این‌گونه تلاش‌های اسکندربیک را از میان ۲۴ آیه‌ای که با موضوع تبلیغ به کار برده، در مورد شیوخ صفویه می‌توان دید؛ وی زمانی که از سلسله نسب صفویه و اتصال آن‌ها به امام موسی بن جعفر علیه السلام صحبت کرده، آیه «و الشمس و الضحی»... (ضحی: ۱) را به کار برده‌است. این نمونه از آیه‌نگاری‌ها در *عالم‌آرای عباسی*، مصادره به مطلوبی از آیات در تبیین اهداف تاریخ‌نگاری این دوره است. اگرچه می‌توان برای این نوع آیه‌نگاری خصوصیتی تبلیغی-تقدیری قائل شد، ماهیت تبلیغی آن بیشتر است. از طرف دیگر، او تلاش کرده با استفاده از آیات قرآن، اقدامات شاه‌عباس و وقایعی از جمله پیاده‌روی مشهد، قتل عبدالؤمن‌خان، بنای جامع کبیر، و نیز توبه شاه‌طهماسب را بزرگ جلوه دهد.

۴. **تقدیرگرایی.** تقدیرگرایی، جبرگرایی، گرایش به تاریخ خطی، و اعتقاد به ساعت سعد و نحس از دیگر مشخصه‌های *تاریخ عالم‌آرای عباسی* است. اسکندربیک منشی در تاریخ خود تلاش کرده‌است با استفاده از آیات قرآن، به تخت‌نشستن و پادشاهی شاهان صفویه را ودیعه و تقدیر الهی نشان دهد. از طرف دیگر، او در واکنش به مرگ شخصیت‌های مهم دوران صفوی نیز از آیات قرآن استفاده کرده تا به مرگ هم به‌عنوان امری مسلم و تقدیری الهی اشاره کند. نکته مهم در کاربرد آیات برای توضیح این مضامین، استفاده وی از آیاتی است که علاوه بر دلالت موضوعی‌شان، به‌نوعی در جهت اثبات حقانیت صفویان و مرتبه والای آنها از نظر مورخ به کار گرفته شده‌اند. از ۱۲ آیه‌ای که با این هدف در *عالم‌آرای عباسی* استفاده شده، برخی نمونه‌ها از وضوح بیشتری برخوردارند. اسکندربیک در ذکر مرگ شیخ صفی‌الدین، از آیه «صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً»... (احزاب: ۵۶) و در توضیح مرگ شیخ ابراهیم، از آیه «ارجعی الی ربک

راضیه مرضیه... (فجر: ۲۸) استفاده کرده‌است. همچنین استفاده از آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ...» (نساء: ۵۸) هنگام توصیف برتخت‌نشینی شاه‌طهماسب صفوی نشانه این رویکرد مورخ در به‌کارگیری آیات قرآنی است. با این حال، به‌رغم گرایش زیاد دولت صفوی به تقدیرگرایی و همچنین رفتار بر اساس ساعات سعد و نحس و...، استفاده‌های این‌چنینی، به‌نسبت کاربرد آیات مرتبط با دشمن‌ستیزی و امامت‌محوری، در کتاب اسکندربیک کمتر به چشم می‌خورد.

۵. استفاده دوگانه از آیات و اصطلاحات قرآنی به‌عنوان آرایه‌هایی ادبی و در تأیید عملکرد صفویان. یکی از مشخصات ویژه در تاریخ‌نگاری ایرانی کاربست فراوان ظرافت‌های ادبی و تلاش مورخ برای آرایش متن با استفاده از آرایه‌های مختلف و به‌ویژه تلمیح به آیات و احادیث است. صرف‌نظر از مباحث فنی و تخصصی این کاربردها، اهداف و اغراض مورخ از به‌کارگیری این آرایه‌ها درخور توجه است. اسکندربیک ترکمان در موارد متعددی با به‌کار بردن واژگان قرآنی، بخشی از آیه، یا تمام آن، علاوه بر اینکه هنر نویسندگی و توانمندی منشی‌گری خود را به نمایش گذاشته، با استفاده مطلوب از این هنر و توانمندی‌اش، در اثبات تشیع و حقانیت خاندان صفویه کوشیده‌است. آراستن گزارش‌های مربوط به اردوکشی‌های شاه‌عباس با عبارت قرآنی «جنات تجری من تحتها الانهار» و استفاده از آیه «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ...» (غاشیه: ۱۷) در توصیف بنای فرح‌آباد نشان می‌دهد که اسکندربیک در به‌کارگیری مضامین قرآنی در توصیف اقدامات شاه صفوی، که با نسبت‌های ناروای دشمنان سنی‌مذهب خود روبه‌رو بود، تثبیت و اعتلای مقام و اعتبار شاه را منظور داشته‌است.

استفاده از تعبیری قرآنی همچون «ليلة القدر» در شرح سفر شاه‌عباس به مشهد، «مالک الملک» در وصف آغاز ریاست سلطان‌علی بر طریقت صفوی، و «فتحاً مبیناً» در ذکر موفقیت‌های شاه‌عباس در ناحیه خراسان، و نیز عبارات دیگری از جمله «خلق الله»، «خالق الارض و السماء»، «اولوالبصار»، و «يفعل الله مايشاء»، با فراوانی کاربرد بیش از پنجاه مرتبه در تاریخ عالم‌آرای عباسی، علاوه بر اینکه توانمندی نویسنده را در استفاده هنرمندانه از آیات و نیز فهم وی را از مضمون آیات نشان می‌دهد، حاکی از آن است

که وی هیچ‌گاه از اثربخشی کاربرد آیات قرآن در اثبات عملکرد صفویان غافل نبوده‌است. اهمیت این شیوه تألیفی اسکندربیک زمانی بیشتر احساس می‌شود که به نمونه‌های دیگر تاریخ‌نوشته‌های هم‌عهد او توجه شود. برای نمونه، ملاجلال منجم، که هم‌زمان با اسکندربیک دست به نگارش وقایع حوادث دوره شاه‌عباس در قالب گزارش‌های روزانه زده‌است، به‌رغم توجهی که به استفاده از آیات داشته، دقت و ظرافت اسکندربیک را در کاربرد آیات و واژگان قرآنی ندارد. بعید نیست مورخان هم‌عصر اسکندربیک، از این شیوه تألیفی و استادانه وی تقلید کرده باشند، چراکه اگرچه اصولاً آیه‌نگاری در تألیف متون تاریخی ایران دوره اسلامی مرسوم و معمول بوده‌است، اهداف خاص ایدئولوژیک و سیاسی اسکندربیک در کاربرد آیات و استفاده ماهرانه وی از آنها، این شیوه را به اعتلا رسانده‌است؛ شیوه‌ای که در میان بسیاری از نوشته‌های مورخان هم‌عصر او (برای نمونه، نظام‌الدین علی شیرازی در *فتوحات همایون*) دیده نمی‌شود. استفاده از آیات در اثر ارزشمند *عالم‌آرای عباسی*، علاوه بر جنبه‌های تزیین متن و آرایش ادبی آن، تبیین، تأیید، و تحکیم مشروعیت صفویان را نیز منظور داشته و الگویی برای تألیف متون تاریخی بعدی بوده‌است.

نتیجه

اسکندربیک منشی در *عالم‌آرای عباسی*، آیات یا عبارات قرآنی را حدود ۲۸ بار در تشریح اقدامات دشمن‌ستیزانه حکومت صفوی، ۲۵ مرتبه در اثبات حقانیت امامان شیعه و تشیع در مقابل حکومت‌های سنی پیرامون حکومت صفویه، حدود ۲۴ بار برای تبلیغ حکومت شیعی صفویه و برجسته‌سازی اقدامات پادشاهان صفوی، حدود ۱۲ بار به‌هدف تقدیرگرایی، و حدود پنج بار در بیان بزرگی و عظمت خداوند، و بیش از پنجاه آیه و واژه و تعبیر قرآنی را در قالب آرایه‌های ادبی استفاده کرده‌است که برخی از آنها چندین نوبت تکرار شده‌اند. هرچند کاربست این شیوه متأثر از تاریخ‌نگاری اسلامی-ایرانی بوده‌است، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اسکندربیک آیه‌نگاری را در راستای اهداف و منافع دولت صفویه و در راستا و به‌گونه نوعی دفاعیه‌نویسی به کار گرفته‌است. وی در مقابله با دولت‌های سنی اطراف، از آیات برای دشمن‌ستیزی و تبلیغ

و اثبات تشیع بهره فراوان برده است. استفاده از آیات در *عالم‌آرای عباسی* علاوه بر اینکه نشان‌دهنده تسلط بسیار اسکندریک در فهم قرآن است، کاربرد ایدئولوژیک و سیاسی وی را از استفاده مطلوب از آیات در جهت اثبات حقانیت تشیع و مشروعیت صفویان نشان می‌دهد. چنین شیوه‌ای بعد از او بیشتر مورد توجه مورخان دوره صفویه قرار گرفته است.

منابع

- افزون بر قرآن کریم:
- آرام، محمداقبر، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶ش.
- اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰ش.
- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از آغاز صفویه تا زمان حاضر، ترجمه رشید یاسمی، بی‌جا، انتشارات آثار برگزیده و جاویدان، ۱۳۲۹ش.
- تاریخ ایران کمبریج، دوره صفویان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰ش.
- ثواقب، جهانبخش، تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، تهران، نوید شیراز، ۱۳۸۰ش.
- ریپکا، یان و اتا کارکلیما و ایرژی بچکا، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، گوتنبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰ش.
- سجادی، سیدصادق و هادی عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۸۶ش.
- سرخیل، فاطمه، «درآمدی بر روش و بینش تاریخی اسکندربیک منشی ترکمان در عالم‌آرای عباسی»، فصل‌نامه تاریخ اسلام، سال ۱۲، شماره اول و دوم (بهار و تابستان ۱۳۹۰).
- شیرازی، نظام‌الدین علی، فتوحات همایون، قم و اصفهان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در عصر صفوی، ۱۳۹۳ش.
- صفت‌گل، منصور، «منبع‌شناسی پژوهش در تاریخ تحولات ساختار دینی ایران در عصر صفوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۷-۳۸ (۱۳۷۹ش).
- مشکوریان، محمدتقی و علی‌اکبر جعفری، «ظهور طبقه ائمه در ادوار تاریخی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری دوره صفوی»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ششم، شماره ۲۳ (پاییز ۱۳۹۵).
- مصدق، علی‌اصغر، «خاندان منجم یزدی و تاریخ‌نگاری دوره صفوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۷-۳۸ (۱۳۷۹ش).